

Protection of Religious Minorities under Islamic Legal System and International Law of Human Rights

Received: 03/10/2016; Accepted: 13/02/2017

Mostafa Fazaeli¹
Mousa Karami²
Soraya Asadi³

Abstract

This article, through a descriptive-analytic method and on a library-based approach and by means of analyzing the protection of religious minorities under Islamic legal system in one side and International Minority Protection Law (IMPL) in the other side, aims to illustrate the relation between these two systems. Religious Minorities have been the first type of these groups enjoying international legal protection and it was after the occurrences such as French Revolution and American Independence that protection has been on rather secular basis. Religious minorities have been a serious Islamic concern from the outset of its revelation. Thereupon, through taking into account the requirements of time and place could be a remarkable pattern in protecting minorities. States, by means of human rights obligations, have a duty to *respect, protect and fulfill* religious rights of minorities under International Law; meanwhile, in Islamic system and under Tribute Contract, Islamic State shall protect minorities and respect and ensure their political, civil, economic, social and judicial rights. As a result, by comparison with International Human Rights Law, it seems that Tribute Contract, at least in a faith community, is more capable in realization and assurance of the rights of religious minorities.

Keywords: Religious Minority, Minority Rights, Islamic Law, International Law of Human Rights, Tribute Contract.



1. Associate Professor, department of International law, University of Qom, (corresponding author) Email: fazaeli2007@gmail.com.
2. M.A in international law, University of Qom.
3. M.A. in public law, university of Qom.



حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر

مصطفی فضائلی^۱

موسی کرمی^۲

ثریا اسدی^۳

تاریخ دریافت ۹۵/۰۷/۱۲ - تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۲۵

چکیده

اقلیت‌های مذهبی، نخستین گروه‌های اقلیت بودند که مورد حمایت‌های حقوقی بین‌المللی قرار گرفتند و تنها پس از رخداد‌های تاریخی همچون انقلاب فرانسه و استقلال آمریکا و رشد آگاهی‌های ملی بود که حمایت‌ها بر پایه‌ای سکولار قرار گرفت و دیگر جوامع اقلیت نیز تحت پوشش نظام حمایتی قرار داده شدند. این در حالی است که اسلام از دیرباز برای اقلیت‌های دینی، احترام و جایگاه ویژه‌ای قائل بوده، به گونه‌ای که می‌تواند به مثابه الگویی برای حمایت از اقلیت‌ها، ضمن لحاظ اقتضائات ناشی از شرایط زمان و مکان، مورد توجه قرار گیرد. نوشتار فرارو، بر آن است تا از خلال روشی توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ای کتابخانه‌ای، با بررسی حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حمایت از اقلیت‌ها، نسبت میان آن دو را بنمایاند. در حالی که حقوق بین‌الملل، در قالب تعهدات حقوق بشری، دولت‌ها را به رعایت حقوق مذهبی اقلیت‌ها ملزم کرده است، نظام اسلامی، بر اساس نهاد ذمه، از اقلیت‌ها حمایت به عمل آورده و حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی آنها را محترم شمرده و تضمین می‌کند. به نظر می‌رسد نهاد ذمه، در مقایسه با حقوق بین‌المللی بشر، دست‌کم در یک نظام دینی، بهتر می‌تواند حقوق اقلیت‌های مذهبی را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی: اقلیت مذهبی، حمایت از اقلیت‌ها، حقوق اسلام، حقوق بین‌المللی بشر، قرارداد ذمه.



۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم (نویسنده مسئول) رایانامه: fazaeli2007@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه قم.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم.



مقدمه

مذهب یکی از عوامل اصلی در فرآیند شکل‌گیری هویت و هویت‌یابی افراد یک جامعه است. از نظر روان‌شناسان، عضویت در گروه‌های اجتماعی-مذهبی و تعلق به اعتقادات، مسالک و ایمان مذهبی، مانند سپری در برابر از خود بیگانگی عمل می‌کند (سادات‌رضوی، ۱۳۸۸: ۱۹). دین و مذهب، همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و باورهای مذهبی، تداوم اجتماع را از خلال معنادهی به حیات جمعی و قاعده‌مندسازی مناسبات گروهی تضمین نموده‌اند (جهانی، ۱۳۹۲: ۶). وانگهی، هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده‌ی همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است. از این رو، شایسته و بلکه بایسته است که هویت دینی افراد و گروه‌ها در جامعه به نحوی منطقی مورد حمایت نظامات اجتماعی، به ویژه نظام حقوقی، قرار گیرد و به گونه‌ای شایسته از این ظرفیت در ایجاد و تقویت انسجام و همبستگی ملی و بین‌المللی بهره برده شود.

به باور حقوق‌دانان بین‌المللی، آغاز حمایت از اقلیت‌ها و به‌طور ویژه اقلیت‌های مذهبی را باید انعقاد معاهدات و ستفالی دانست. پس از آن بود که در سده ۱۹ دغدغه حقوق اقلیت‌ها به یکی از مباحث حقوق بین‌الملل تبدیل شد و در سده بیستم و به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی نخست به اوج شکوفایی خود رسید؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت شالوده اصلی نظام فعلی حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل کنونی، به دوران جامعه ملل و معاهدات صلح آیین کشورهای غالب و مغلوب جنگ باز می‌گردد (Swamy, 2014: 15). اقلیت‌های مذهبی نخستین گروه‌های اقلیت بودند که مورد حمایت‌های حقوقی بین‌المللی قرار گرفتند و تنها پس از رخداد‌های تاریخی مهمی همچون انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و



1. Self-alienation.
2. Race Treaties.

رشد آگاهی‌های ملی بود که حمایت‌ها بر پایه‌ای سکولار قرار گرفت و اقلیت‌های دیگر نیز تحت پوشش قرار داده شدند. (Hidayat & Zubair, 2013: 56)

ادیان الهی حامی راستین حقوق بشر بوده و دین مبین اسلام در این زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تأمل در گفتمان حقوق بنیادین بشر، نشان از قرابت و مطابقت آن با آرمان‌های مکتب انسان‌ساز اسلام دارد (آقایی، ۱۳۷۶: ۴-۵). تأکید بر والایی و کرامت انسان حاکی از پیوند وثیق ادیان الهی به ویژه اسلام با آرمان‌های اصیل حقوق بشر دارد. حقوق بشر، روایت تازه‌ای از حقوق طبیعی است و حقوق طبیعی خود چیزی نیست جز تعبیری دیگر از حقوق فطری یا الهی (موحد، ۱۳۸۲: ۶۰). حمایت از اقلیت‌های مذهبی و اشخاص متعلق به آنها، از موضوعات مهم در فقه اسلامی است که در قالب قرارداد ذمه حمایت‌های اساسی و الزام‌آوری را برای اقلیت‌های مذهبی تأمین می‌کند.

مقاله حاضر درصدد است با بررسی حمایت‌های صورت گرفته از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر، نسبت میان این دو را نمایانده، تا معلوم گردد که آیا نظام حمایتی اسلام در قالب نهاد ذمه می‌تواند امروزه به عنوان الگویی برای حمایت از اقلیت‌ها عرضه شده و مورد توجه قرار گیرد؟

۱. مفهوم اقلیت مذهبی

برای دست‌یابی به تعریف مورد نظر مقاله از اقلیت مذهبی نخست باید به بررسی مفهوم دو واژه مذهب و اقلیت پردازیم.

۱-۱. مذهب^۱

تا کنون، تعریفی جامع و مانعی از مذهب که مورد اتفاق نظر باشد ارائه نشده است. از دیدگاه برخی اندیشمندان معاصر، واژه مذهب مفهومی ابهام‌آمیز داشته و هرگز به یک موضوع معین و مشخص عینی در جهان دلالت ندارد (اسمیث، ۱۳۸۷: ۱۲۶). در فرهنگ فارسی عمید، از واژه مذهب به معنای راه و روش و طریقه یاد شده است. همچنین در





فرهنگ فارسی معین، به معنای جای رفتن، روش، طریقه، شعبه‌ای از دین، دین، کیش، هر یک از مذهب‌های فلسفی و نحله تعریف شده است. واژه Religion از ریشه لاتینی Religio گرفته شده است و به معنای «آمیخته‌شدن» است (اسمیث، همان: ۱۲۹). فرهنگ حقوقی بلک نیز مذهب را چنین تعریف می‌کند: «مذهب ارتباط انسان با خدا، تقدس، عبادت، اطاعت و خود را تحت فرامین و دستورات موجودی فراطبیعی و برتر قراردادن است؛ مذهب در مفهوم گسترده آن، شامل تمام اشکال اعتقاد به وجود خالق برتری است که بر انسان‌ها با رضایت آنها اعمال قدرت می‌کند و یا با وعده پاداش و عقوبت اخروی، قواعد رفتاری را بر آنها تحمیل می‌نماید». (Lerner: 26)

واژه Religion در مغرب‌زمین به معنای مکتب‌های درون یک دین و حتی به معنای خود دین به کار می‌رود (توفیقی، ۱۳۷۹: ۱۳). در نظام بین‌المللی حقوق بشر، مفهوم مذهب متفاوت و اعم از معنای آن در جوامع مذهبی همچون ایران است. به باور کمیته حقوق بشر، مذهب افزون بر مذاهب سنتی، باورها و ادیان نوظهور را نیز در بر می‌گیرد و از این رو، ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی هم‌زمان از یکتاپرستان و بی‌دینان و آنانی هم که اعتقادات مذهبی خویش را ابراز نمی‌دارند حمایت به عمل می‌آورد. (CCPR, 27) (September 1993)

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا در قضیه آکایسو^۴ «گروه مذهبی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «گروه مذهبی، متشکل از افرادی است که دارای مذهب و فرقه‌ای مشترک بوده، یا به شکلی خاص عبادت می‌کنند». دیوان در قضیه کایشما و روزا پاندانا تقریباً همان تعریف را از گروه مذهبی ارائه می‌دهد: «گروه مذهبی، شامل فرقه یا گروهی است که به شکل خاصی عبادت می‌کنند و در اعتقادات مشترکی سهیم هستند». (دستی، ۱۳۹۳: ۶۲)

1. Black's Law Dictionary.
2. International Covenant on Civil and Political Rights (16 December, 1966).
3. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR).
4. Akayesu.



۱-۲. اقلیت^۱

در فرهنگ عمید، اقلیت به معنای «کم بودن، جمعیت یا گروهی که دارای نژاد یا مذهب یا آداب و رسوم خاصی باشند و در مملکتی زندگی کنند که اکثر آن مملکت دارای آن مذهب یا آن آداب و رسوم خاص نباشند، مقابل اکثریت» آمده است. فرهنگ بزرگ سخن، در تعریف اقلیت چنین آورده است: «۱. حالت کمتر بودن. ۲. گروهی از مردم یک جامعه، که از جهاتی مانند دین، فرهنگ، نژاد و بینش سیاسی از عموم مردم تمایز دارند و نسبت به عموم جمعیت کمتری دارند. ۳. بخش یا گروهی از یک مجموعه که تعداد اعضایش نسبت به عموم کمتر است».

با وجود بسیاری از اشاره‌ها به اقلیت در نهادهای بین‌المللی و حمایت‌های صورت گرفته از آنها، تعریف عموماً توافق شده و قانوناً الزام‌آوری از واژه اقلیت وجود ندارد. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در رأی مشورتی ۳۱ ژوئیه ۱۹۳۰ در پاسخ به سؤال کمیسیون مختلط یونانی-بلغاری، تعریفی از واژه جامعه آرائه داد که به نظر می‌رسد در نظام معاهدات اقلیت‌های جامعه ملل، از واژه جوامع مترادف، با عنوان اقلیت‌ها استفاده شده است. تعریفی که دیوان، از مفهوم اقلیت ارائه داد به شرح زیر است:

«گروهی از اشخاص که در کشور یا سرزمین خاص زندگی می‌کنند و دارای نژاد، مذهب، زبان و سنت‌های خاص خود هستند و به واسطه هویت مشترک نژادی، مذهبی و زبانی و سنتی با همدیگر احساس همبستگی دارند و سنت‌ها و آیین خود را حفظ می‌نمایند و فرزندان‌شان را بر اساس فرهنگ و سنت‌های خویش آموزش می‌دهند و در این راستا به یاری همدیگر بر می‌خیزند» (PCIJ, 1930: 21).

کاپوتورتی^۲، گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها،^۳ به یکی از نظریه‌پردازان مفهوم اقلیت تعریفی ارائه کرده که مورد پذیرش گسترده‌ای قرار گرفته و از تعاریف مرجع جهت مطالعه نظام حقوق اقلیت‌ها به شمار می‌آید:

1. Minority.
2. Permanent Court of International Justice (PCIJ).
3. Community.
4. Francesco Capotorti.





«گروهی که از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیر حاکم قرار دارند. این اعضاء، با داشتن تابعیت آن دولت خصایص قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از دیگر افراد کشور دارند؛ هرچند به صورتی ضمنی نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب و زبان خودشان احساس همبستگی دارند.» (Papoutsi, 2014: 308)

با وجود تعریف‌هایی از اقلیت که تاکنون ارائه شده است، تعریف جامع و کاملی از این واژه در اسناد بین‌المللی نیامده است. شاید بتوان از منظر حمایت از حقوق اقلیت‌ها، تعریف زیر را جامع‌تر و به نسبت، کامل‌تر دانست:

«اقلیت به گروهی از افراد گفته می‌شود که جمعیتی کمتر از بقیه مردم کشور یا ایالتی از کشور داشته و در حاکمیت، حضور مؤثری ندارند. اعضای این گروه، از ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی، یا زبانی برخوردارند و برای حفظ آن خصایص، احساس همبستگی دارند. گروه‌های اقلیت بر حسب سکونت‌مجتمع یا پراکنده، تبعه یا بیگانه‌بودن و تقدم و تأخر سکونتشان در کشور، از حمایت‌های مندرج در نظام حقوق اقلیت‌ها، برخوردار می‌شوند.» (عزیزی، ۱۳۸۵: ۱۳۴)

۱-۳. اقلیت مذهبی در حقوق بین‌الملل

با توجه به آنچه گذشت، اقلیت مذهبی را از منظر حقوق بین‌الملل می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

«گروهی از افراد که جمعیتی کمتر از بقیه مردم کشور یا ایالتی از کشور داشته، دارای مذهب و اعتقاداتی متفاوت با سایر اعضای جامعه بوده و برای حفظ آن خصایص و ویژگی‌ها احساس همبستگی دارند؛ اما در عرصه‌های مختلف، به ویژه در اداره جامعه به‌طور مؤثر و با فرصت یکسان همانند اکثریت، مشارکت و حاکمیت ندارند.»

۱-۴. اقلیت مذهبی در اسلام

در فقه اسلامی، منظور از اقلیت مذهبی همان اقلیت دینی است و اقلیت مذهبی به معنای خاص و امروزی مطرح نیست. فقهای شیعه، اقلیت‌های دینی یا اهل ذمه را شامل اهل



کتاب می‌دانند و شامل پیروان ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و صابئی هستند و اعتقاد دارند که غیر آنها را شامل نمی‌شود و در این باره به روایتی از رسول اکرم (ص) اشاره می‌کنند که می‌فرماید: «من جز از اهل کتاب، از هیچ کسی جزیه نمی‌گیرم» (کلینی، ۱۴۰۱ق: ۵۶۸). اصطلاح اهل کتاب، سی و یک بار در قرآن ذکر شده است و در بسیاری موارد، در مقابل مشرکان ذکر شده است. قرآن کریم در بسیاری موارد، حکم آن دو گروه را از هم تفکیک کرده و این خود، نشانه مغایرت مفهوم آن دو است (امامی و نورالدینی، ۱۳۹۳: ۱۰). فقهای اهل سنت نیز در این که قرارداد ذمه شامل اهل کتاب و زرتشتیان می‌شود و مرتدها را در بر نمی‌گیرد اتفاق نظر دارند. اما در مورد غیر اهل کتاب و نیز زرتشتیان اختلاف نظر دارند؛ گروهی بیان کرده‌اند که قرارداد ذمه فقط اهل کتاب و زرتشتیان را شامل می‌شود و بقیه‌ی غیرمسلمانان را در بر نمی‌گیرد. این قول حنابله، شافعیه و ظاهریه است، اما اوزاعی و مالکی بیان کرده‌اند که قرارداد ذمه شامل سایر غیرمسلمانان نیز می‌شود. گفته شده است قول راجح در مذهب اهل سنت، همین قول است.

۱-۵. عقد ذمه

کلمه ذمه در لغت به معنای عهد و امان به کار می‌رود (معلوف، بی تا: ۱۱۶). عقد ذمه، در حقیقت یک پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز میان حاکم اسلامی و اهل کتاب است و بر اساس آن، اهل ذمه در قبال پرداخت جزیه و رعایت نظم عمومی جامعه اسلامی، از حمایت دولت اسلامی و مصونیت مال، جان و ناموس خود برخوردار می‌گردند. از نظر اکثر فقها، عقد ذمه همانا یک عقد لازم است و هیچ‌یک از طرفین حق فسخ آن را ندارند و نمی‌توانند از اجرای تعهدات آن سر باز زنند. (موسوی خویی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

۲. حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام

۱-۲. اقلیت در اندیشه سیاسی اسلام

تابعیت اسلامی بر اساس مفهوم امت اسلامی، همه مسلمانان را امت واحدی می‌داند که در امری به نام دین اسلام با همدیگر مشترک‌اند. از این رو، در اسلام، امت را جامعه باورمندان به وجود می‌آورد، نه اجتماع شهروندان (خلیلیان، ۱۳۷۷: ۱۳۷). از منظر اسلام،





تابعیت بر یکی از دو پایه ایمان (اسلام) و پیمان (قرارداد) استوار است؛ از این رو، فردی تابع دولت اسلامی به شمار می‌رود و از حقوق شهروندی برخوردار می‌گردد که یا مسلمان باشد و یا اهل کتاب که با دولت اسلامی پیمان ذمه بسته است. بنابراین، مرز خودی و بیگانه، تنها با یکی از دو معیار یادشده تعیین می‌گردد (دانش پژوه، ۱۳۸۰: ۸۲)

اقلیت‌ها در اندیشه سیاسی اسلام و آراء فقها و مجتهدان اسلامی، از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مقوله اقلیت‌های مذهبی، یکی از جدی‌ترین مسائل دین اسلام از آغاز پیدایش آن است (Ghanea, 2012: 58). در فقه اسلامی، منظور از اقلیت مذهبی همان اقلیت دینی است و اقلیت مذهبی به معنای خاص و امروزی موضوعیت ندارد. فقهای شیعه اقلیت‌های دینی یا اهل ذمه را فقط اهل کتاب می‌دانند که پیرو ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی و صابئی هستند و اعتقاد دارند که غیر آنها را شامل نمی‌شود و در این باره به روایتی از رسول اکرم (ص) اشاره می‌کنند که می‌فرماید: «من جز از اهل کتاب از هیچ کسی جزیه نمی‌گیرم» (کلینی، ۱۴۰۱: ۵۶۸). به عقیده ایشان، اصطلاح اهل کتاب که سی و یک بار در قرآن آمده و در بسیاری موارد در مقابل مشرکان ذکر شده است و قرآن کریم در بسیاری موارد حکم آن دو گروه را از هم تفکیک کرده است، خود نشانه‌ی مغایرت مفهوم آن دو است (امامی و نورالدینی، ۱۳۹۳: ۱۰). اما اکثر فقهای اهل سنت، مراد از اقلیت‌های دینی را افراد غیرمسلمان می‌دانند؛ یعنی افزون بر مسیحیان، یهودیان، زرتشتی‌ها و صابئی‌ها، بقیه افراد غیرمسلمان را نیز در شمار اقلیت‌های دینی به شمار می‌آورند. فقهای اهل سنت در این که قرارداد ذمه شامل اهل کتاب و زرتشتیان می‌شود و مرتدان را در بر نمی‌گیرد اتفاق نظر دارند. اما در مورد غیر اهل کتاب و زرتشتیان اختلاف نظر دارند؛ گروهی بیان کرده‌اند که قرارداد ذمه فقط اهل کتاب و زرتشتیان را شامل می‌شود و بقیه غیر مسلمانان را در بر نمی‌گیرد، که این قول حنابله، شافعیه و ظاهریه است اما اوزاعی و مالکی بیان کرده‌اند که قرارداد ذمه شامل غیر اهل کتاب نیز می‌شود. گفته شده قول راجح در مذهب تسنن همین قول است که در ذیل به بیان دلایل می‌پردازیم:

اخذ جزیه از پیروان مجوس در حالی که به اعتقاد اهل سنت، مجوس از اهل کتاب نیستند. زیرا پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "سنا بهم سنه اهل الکتاب" با آنان (مجوسیان)



همانند اهل کتاب رفتار کنید. پس قرار داد ذمه اختصاص به اهل کتاب ندارد و اخذ جزیه از مجوس، دلیل بر جواز اخذ آن از غیر اهل کتاب است. پیامبر اکرم (ص) هر گاه فرماندهی سپاه مسلمانان را بر دوش کسی می‌نهاد، توصیه‌های خاصی را به فرماندهان و سایر مسلمانان می‌نمود و آنان را به تقوای الهی دعوت می‌کرد و می‌فرمود: هر گاه با دشمنان مشرک روبه‌رو شدید آنان را به یکی از این سه پیشنهاد دعوت کنید و هر کدام را پذیرفتند بپذیرید: ابتدا آنان را به اسلام دعوت کنید. اگر نپذیرفتند به آنان پیشنهاد پرداخت جزیه و قرارداد صلح بدهید و اگر قبول کردند شما نیز آن را بپذیرید. اما اگر قبول نکردند از خداوند یاری بخواهید و آماده کارزار شوید. (زیدان، ۱۳۸۲ق: ۳۰-۱۱)

به هر حال، قدر متیقن این است که پیروان ادیان الهی که به اهل کتاب موسوم‌اند، با انعقاد قرارداد ذمه، شایسته‌ی عنوان شهروند در قلمرو دولت اسلامی می‌گردند. فلسفه وجودی اصلی تشریح عقد ذمه در دین اسلام، همانا ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و اکثریت مسلمان در جامعه اسلامی است. اسلام و منبع اصلی آن یعنی قرآن کریم، به دلیل احترام خاصی که برای پیامبران الهی قائل است، پیروان واقعی آنها که سرستیز با جامعه اسلامی نداشته باشند را نیز محترم می‌شمارد و در زیر چتر حمایتی حکومت اسلامی می‌داند. (Yusuf, 2007: 16)

دین اسلام هرگز پیروان سایر ادیان را به پذیرش اسلام مجبور نمی‌کند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (البقره: ۲۵۶). یعنی هیچ اجباری در دین نیست و راه هدایت و رستگاری از راه ضلالت و گمراهی مشخص شده است. حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل است که می‌فرماید: «کسی که ذمی را اذیت کند دشمن او هستم و در روز قیامت هم با او دشمنی خواهم کرد» (سیوطی، ۱۳۵۲: ۴۵۵). بنابراین دین اسلام نه تنها افراد را مجبور به پذیرش نمی‌کند بلکه هشدار می‌دهد که کسی هم نمی‌تواند آنها را مورد آزار و اذیت قرار دهد. پیامبر اکرم (ص) به رفتار برادرگونه با پیروان سایر ادیان توصیه می‌فرمودند. به طوری که امام کاسانی در البدایع نقل می‌کند که پیامبر فرمودند: «فاذا قبلوا عقد الذمه فاعلمهم ان لهم ما للمسلمين و عليهم ما على المسلمين»؛ یعنی هر گاه عقد ذمه را پذیرفتند به آنها اعلام کنید آنچه به نفع مسلمین است آنها هم نفع می‌برند، و





آنچه به زیان مسلمانان باشد به زیان آنها نیز خواهد بود (کاسانی، ۱۳۲۷ق: ۱۰۰). یعنی در جامعه اسلامی، حقوق و تکالیف اهل کتاب و مسلمانان یکسان است.

۲-۲. حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی بر اساس قرارداد ذمه

به موجب قرارداد ذمه اقلیت‌های دینی در مقابل تعهداتی که انجام می‌دهند تا زمانی که بر پیمان خود باقی بمانند تحت حمایت حکومت اسلامی قرار دارند و شهروند جامعه اسلامی به شمار می‌روند و از حقوق و آزادی‌های شهروندان برخوردار می‌شوند. از جمله - ی این حقوق و آزادی‌ها عبارتند از:

۲-۲-۱. حقوق و آزادی‌های اساسی

حکومت اسلامی افراد غیر مسلمان را به عنوان بیگانگان تلقی نمی‌کند، بلکه با این افراد هم‌پیمان شده و به حقوق و آزادی‌های آنها توجه ویژه‌ای داشته است. در اینجا، برخی از حقوق و آزادی‌های بنیادین که بر اساس قرارداد ذمه برای اقلیت‌های دینی شناخته شده است در زیر بیان می‌شود:

الف- مصونیت: حق مصونیت، که بر اساس آن جان، مال، ناموس، اقامتگاه و اماکن اقلیت‌های دینی در امان است. بنابراین اقلیت‌های دینی با انعقاد قرارداد ذمه در پناه حکومت اسلامی هستند و مانند هموطنان مسلمان، از امنیت و مصونیت بهره‌مند می‌گردند و تأمین امنیت آنان برعهده‌ی حکومت اسلامی است. علی ابن ابی طالب (ع) می‌فرماید: «ذمی‌ها جزیه می‌پردازند؛ برای آن که جان و مالشان مانند مسلمانان باشد.» (ابن قدامه، ۱۳۶۷ق: ۴۵۵)

ب- آزادی عقیده و مذهب: از جمله آزادی‌هایی که برای اقلیت‌های دینی بر اساس قرارداد ذمه در حکومت اسلامی شناخته شده، آزادی عقیده و مذهب است. همان‌طور که پیشتر گفته آمد، در دین اسلام هیچ اکراهی برای پذیرش عقیده اسلامی وجود ندارد. بدین سان، اقلیت‌های دینی حق دارند بر دین خود باقی بمانند. علاوه بر آن، می‌توانند مناسک و مراسم دینی خود را در معابد و اماکن مقدسه‌ی خود انجام دهند. در قرارداد میان پیامبر اکرم (ص) و نجران آمده است که «هیچ کشیش یا زاهدی از کلیسا اخراج نمی‌شود و



هیچ گونه تحمیل یا تحقیری بر آنها بار نخواهد شد. همچنین اراضی آنها به وسیله لشگریان
 ما اشغال نخواهد شد.» (نظری، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

حاجت آرا اقلیت های دینی در نظام حقوقی اسلام

ج- آزادی مسکن: یکی دیگر از حقوقی که در قالب قرارداد ذمه برای اقلیت های دینی
 به رسمیت شناخته شده، آزادی مسکن و انتخاب اقامتگاه است. اهل ذمه می توانند هر کجا
 که بخواهند در قلمرو حکومت اسلامی زندگی کنند؛ بجز در حرم، که عبارت است از ۱-
 مکه و آنچه که اطراف آن قرار دارد، ۲- حجاز که شامل مکه، مدینه، طائف و خیبر می-
 شود و ۳- مساجد مسلمانان. همچنین به دلیل نص صریح قرآن کریم، هیچ کس حق ندارد
 بدون رضایت وارد زندگی خصوصی آنها شود. خداوند چنین می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تَذَكَّرُونَ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا
 فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» ای مؤمنان وارد خانه دیگران نشوید مگر این
 که با صاحب خانه مأموس گردید و به اهل آن خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است،
 باشد که متذکر شوید. و اگر به شما گفته شد که برگردید، برگردید، که آن پاکیزه تر است
 برای شما و خداوند به کردار شما آگاه است.» (النور: ۲۸ و ۲۸)

۲-۲-۲. حقوق و آزادی های مدنی

اهل ذمه در مسائل مربوط به حقوق مدنی از قبیل معاملات، ازدواج، طلاق، ارث و
 مانند اینها می توانند بر طبق آیین خود عمل کنند و ملزم به پیروی از قوانین اسلامی نیستند.
 اقلیت های دینی در معاملات مانند مسلمانان هستند، مگر در مورد معاملات ربوی؛ زیرا در
 این باره حدیثی وجود دارد که موجب نهی آنها از این گونه معاملات می شود. پیامبر اکرم
 (ص) برای زرتشتیان نوشت که اگر معامله ربوی کنید و یا اجازه انجام آن را بدهید با خدا
 و رسول خدا جنگ کرده اید (جصاص: ۴۳۹). این کلام پیامبر (ص) اشاره به مضمون آیه
 شریفه ای دارد که ربا را اعلان جنگ با خدا دانسته است. «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ
 اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ». (البقره: ۲۷۹)





۲-۲-۳. حقوق و آزادی‌های قضایی

دین اسلام میان همه‌ی افرادی که در جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کنند، فارغ از مسلمان بودن یا نبودنشان، به اجرای عدالت حکم می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً: و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. آنچه خدا شما را به آن پند می‌دهد نیکوست به راستی که خدا شنوا و بیناست» (النساء: ۵۸). همچنین خداوند می‌فرماید: «یا داوودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۲۶)

اسلام در قرارداد ذمه، احکام قضایی اقلیت‌های دینی را به رسمیت شناخته است. بنابراین، هر وقت میان آنها نزاع در گرفت می‌توانند به محاکم خود رجوع کنند و در مراجعه به محاکم اسلامی هم مختار هستند. محاکم اسلامی هم مجبور به رسیدگی نیستند. خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ: پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنها داوری کن، یا آنها را به حال خود واگذار (المائدة: ۴۲). البته در مواردی که یک طرف، ذمی و طرف دیگر مسلمان باشد به محاکم اسلامی رجوع می‌شود و بدون توجه به عقیده و فکر آنان و با رعایت عدالت مبادرت به صدور حکم می‌گردد. امام علی (ع) در عهدنامه‌ی خویش به والی مصر در خصوص اجرای عدالت بر اهل ذمه و حق دادن به مظلوم و سخت‌گیری بر ستمگر، سفارش کرد. (خفاجی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

۲-۲-۴. حقوق اقتصادی و تجاری اقلیت‌های دینی

اصل مالکیت اقلیت‌های دینی، بمانند مالکیت افراد مسلمان مورد احترام و مصونیت قرار دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «آنان جزیه داده‌اند تا خونشان همانند خون ما مسلمانان، و اموالشان همانند اموال ما مسلمانان محترم باشد». پس حرمت اموال اهل ذمه با حرمت اموال مسلمانان برابر است. بر اساس قرارداد ذمه، اقلیت‌های دینی در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری آزادند و اموال ذمیون مانند اموال مسلمانان است و هر دو دارای حکم واحدی هستند. در صورتی که طرف معامله مسلمان باشد، معاملاتی که ارزش مالی ندارد و برخلاف مقررات اسلامی است، ممنوع می‌باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) با یهودیان مدینه





داد و ستد می‌کرد و این خود نشان‌دهنده‌ی آزادی روابط اقتصادی و تجاری مسلمانان با اقلیت‌های دینی است. (محمدزاده رهنی و فریدی، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

در مقابل، بر اساس قرارداد ذمه، اقلیت‌های دینی در برابر حمایت‌های حکومت اسلامی تکالیف و تعهداتی نیز برعهده می‌گیرند؛ از جمله پرداخت جزیه. در این راستا، فردی که جزیه پرداخت می‌کند باید عاقل، بالغ، مذکر و همچنین توانا به پرداخت جزیه باشد (خمینی، ۱۳۸۶: ۴۴۹). پرداخت جزیه، بیشتر به خاطر حمایتی است که حکومت اسلامی از آنها به عمل می‌آورد؛ پرهیز از جنگ با مسلمانان یا یاری‌رساندن به مشرکان برای پیکار با مسلمانان؛ عدم تظاهر به ارتکاب محرمات در شریعت اسلامی از قبیل مصرف مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک، و نکاح با محارم (اگرچه در دین خودشان مجاز باشد)؛ پرهیز از احداث معابد جدید (کلیسا، کنیسه، آتشکده) و نواختن ناقوس در معابد (طوسی، ۱۴۱۲ق: ۴۴). همچنین اقلیت‌های دینی نباید به ناموس مسلمانان خیانت کنند و سبب آزار و اذیت آنها شوند.

۳. حمایت از اقلیت‌های مذهبی، از چشم‌انداز نظام بین‌الملل حمایت از اقلیت‌ها

۳-۱. ماهیت کلی نظام حمایت از اقلیت‌ها

نظام حمایت از حقوق بشر و نظام حمایت از اقلیت‌ها در مسیری یکسان گام برمی‌دارند و هدف هر دو نظام عام حقوق بشر و نظام حقوق اقلیت‌ها، نیل به برابری است. اما با توجه به تفاوت‌هایی که بین این دو نظام وجود دارد، سازوکارهای دستیابی به این برابری در هر کدام متفاوت از دیگری است. منع تبعیض شکلی که برای حصول برابری در نظام عام حقوق بشر کافی می‌نماید و کارآمدی مناسبی دارد، در نظام حقوق اقلیت‌ها توانایی برطرف‌سازی و شکوفایی نیازمندی‌ها و توانمندی‌های ویژه‌ی افراد متعلق به اقلیت‌ها را، که برخاسته از تفاوت موقعیت و وضعیت این افراد با افراد عادی است، دارا نیست. اگر در نظام حقوق بشر هرگونه تمایز و برتری بر مبنای خاستگاه قومی، نژاد، جنسیت، زبان، مذهب و... تبعیض‌آمیز شمرده می‌شود و ممنوع است، عدم لحاظ ویژگی‌های افراد متعلق به گروه‌های





آسیب‌پذیر همچون اقلیت‌ها نیز به تبعیض غیرمستقیم که گاه از آن با عنوان تبعیض ماهوی^۱ یاد می‌شود (9. para. 2009: CESCR, 2 July 2009) ختم می‌گردد. (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

خصیصه‌ی آسیب‌پذیری^۲ گروه‌های اقلیت موجب شده است افراد متعلق به این گروه-ها، برای حفظ کرامت انسانی و نیل به برابری ماهوی،^۳ افزون بر حمایت‌های پوشاننده‌ی مطلق افراد بشر در حقوق بین‌الملل، نیازمند حمایت‌ها و حقوق خاص خود نیز باشند. در این راستا، اصل منع تبعیض، به مانند پلی، نظام عام حقوق بشر را با نظام حقوق اقلیت‌ها، پیوند می‌دهد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). آغاز بین‌المللی شدن حقوق بشر توسط معاهدات را می‌توان از جمله، در برخی موافقت‌نامه‌های منعقد شده میان دول اروپایی و جهانشاهی عثمانی در خصوص حمایت از اقلیت مسیحی در سده نوزده میلادی جستجو کرد (مهرپور، ۱۳۹۰: ۲۳). به نظر می‌رسد در نظام بین‌المللی حقوق بشر کنونی، بتوان از دو سپر متفاوت و در عین حال مکمل، به مثابه ابزارهای اصلی برای حمایت از اقلیت‌های مذهبی بهره برد و به آنها تمسک جست: آزادی مذهبی و حقوق اقلیت‌ها (Valentine, 2004: 449). از این رو، برای پی‌بردن به حمایت‌های صورت گرفته از اقلیت‌های مذهبی در حقوق بین‌الملل کنونی، باید به پویش و کاوش در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی مرتبط با آزادی مذهبی و حمایت‌های به عمل آمده از مذهب و حقوق اقلیت‌ها و به طور خاص حقوق مذهبی این گروه‌ها پرداخت. این موضوع، در ادامه، وجه همت نگارندگان قرار خواهد گرفت.

۳-۲. حمایت از آزادی مذهبی در حقوق بین‌الملل

در نظام بین‌الملل حقوق بشر، مفهوم مذهب متفاوت و اعم از معنای آن در جوامع مذهبی همچون ایران است. به باور کمیته حقوق بشر، مذهب افزون بر مذاهب سنتی، باورهای دینی و ادیان نوظهور را نیز در بر می‌گیرد و از این رو ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، همزمان از یکتاپرستان و بی‌دینان و آنانی هم که اعتقادات مذهبی



1. Substantive discrimination.
2. Vulnerability.
3. Substantive equality.



خویش را ابراز نمی‌دارند حمایت به عمل می‌آورد (CCPR, 27 September 1993: para. 1). آزادی مذهبی به عنوان مهم‌ترین دست‌آورد مبارزه برای حقوق انسان، در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) مطرح گردید (مهرپور، ۱۳۹۰: ۳۱۹). طریقه انشاء «حق بر آزادی مذهبی» در اسناد بین‌المللی حقوق بشری در میان منظومه حق‌های بشری، طریقه‌ای منحصر به فرد است؛ زیرا بهره‌مندی از حق مربوط را «در اجتماع با دیگران» مورد حمایت قرار می‌دهد (Yildirim, 2015: 13). این طریقه‌ی انشاء، حاکی از بُعد جمعی و گروهی مذهب و حقوق مرتبط با آن است و از این رو با حقوق اقلیت‌های مذهبی، به مثابه یک گروه و اجتماع مبتنی بر مذهب، پیوندی ناگسستنی و تنگاتنگ پیدا می‌کند؛ زیرا موجودیت و هویت اقلیت‌های مذهبی همانا وابستگی کامل به حمایت از مذهب آنها و مظاهر آن دارد. این حق، در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگونی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه حذف کلیه اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده^۱، منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، کنوانسیون حقوق کودک و... به رسمیت شناخته شده است؛ امری که حاکی از اهمیت کم‌نظیر این آزادی در جهان و حقوق بین‌الملل کنونی است.

پذیرش آزادی مذهبی در حقوق بین‌الملل کنونی، به معنای تأکید بر احترام برابر مذاهب مختلف و شناسایی تنوع مذهبی است. از این رو، آزادی مذهبی افزون بر این که خود دارای ارزشی ذاتی است، سنگ بنای حق تعیین سرنوشت، انتخاب فردی و تکثیر نیز می‌باشد. نظر به آن که مذهب، یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی فرهنگ افراد و گروه-هاست، پذیرش تنوع مذهبی را می‌توان هم محصول، و هم یکی از عناصر موجد پذیرش تنوع فرهنگی در نظام بین‌الملل حقوق بشر دانست. این امر، برای اقلیت‌ها و به ویژه اقلیت-



1. In community with others.
2. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief (1981).



های مذهبی از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ چه، اصولاً داعیه تنوع فرهنگی و لزوم حفظ و حراست از آن، دست کم در وهله نخست، از سوی گروه‌های در اقلیت و آسیب-پذیری که فرهنگ خویش و مظاهر آن را در معرض خطر فراموشی و نابودی می‌بینند، مطرح می‌شود.

۳-۳. حمایت از حقوق مذهبی اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل

ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) به عنوان یکی از اسناد مهم منشور {XE} منشور "بین‌المللی حقوق بشر، که مهم‌ترین مقرره‌ی الزامی بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق فرهنگی {XE} حقوق فرهنگی" اقلیت‌ها و به ویژه حقوق مذهبی آنهاست {XE} قومی" چنین مقرر می‌دارد:

«در کشورهایی که اقلیت‌های قومی {XE} قومی" مذهبی و زبانی وجود دارند، حق اشخاص متعلق به چنین اقلیت {XE} اقلیت" گامی در بهره‌مندی از فرهنگ {XE} "فرهنگ" خود، اظهار و عمل به مذهب یا به کارگیری زبان خویش، در اجتماع با دیگر اعضای گروه، نبایستی مورد انکار قرار گیرد.»

بر اساس نوع واژه‌گزینی و عبارت‌پردازی این ماده، حقوق مرتبط با فرهنگ {XE} "فرهنگ" مذهب و زبان که همگی در مجموعه‌ی حقوق فرهنگی {XE} حقوق فرهنگی" تکرار می‌گیرند، حداقل حق‌هایی هستند که به موجب حقوق اقلیت‌ها {XE} "حقوق اقلیت‌ها" باید توسط دولت‌های عضو میثاق تضمین شوند (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۵: ۶۷). سند بین‌المللی حقوق بشری مهم دیگری که به حقوق مذهبی {XE} حقوق فرهنگی" اقلیت‌ها اشاره دارد، کنوانسیون حقوق کودک است. این کنوانسیون، در ماده ۳۰، به حقوق فرهنگی {XE} فرهنگی" کودک‌کان متعلق به اقلیت‌های مذهبی {XE} "قومی" پرداخته و چنین اشعار می‌دارد:

«در کشورهایی که اقلیت‌های قومی {XE} قومی" مذهبی و زبانی یا اشخاص با خاستگاه بومی وجود دارند، حق کودک‌کان متعلق به چنین اقلیتی یا کودک‌کان بومی در بهره-



مندی از فرهنگ {XE فرهنگ} "خود، اظهار و تدین به مذهب خویش یا بکارگیری زبانشان، در اجتماع با سایر اعضای گروه، نمی‌بایست مورد انکار قرار گیرد».

شایان یاد کرد است که به باور کمیته‌ی حقوق کودک،^۱ اشاراتی که در کنوانسیون به حقوق اقلیت‌ها {XE حقوق اقلیت‌ها} کشته است، نشانگر شناسایی لزوم اتخاذ اقدامات ویژه به منظور بهره‌مندی کامل افراد متعلق به اقلیت‌ها از حقوق خود می‌باشد. اعلامیه‌ی حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی {XE قومی} "مذهبی و زبانی ملل متحد (۱۹۹۲)^۲ که هم‌اکنون مهم‌ترین سند بین‌المللی هر چند قوام‌نیافته در حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های مختلف و از جمله اقلیت‌های مذهبی {XE قومی} "که شمار می‌رود، در بخشی از مفاد خود به حمایت از حقوق مذهبی {XE حقوق فرهنگی} " اقلیت‌ها اشاره نموده است. بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۲) اعلامیه چنین اشعار می‌دارند:

۱. «اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی {XE قومی} "مذهبی و زبانی (که زین پس از آنها با عنوان اشخاص متعلق به اقلیت‌ها یاد می‌شود)، حق بهره‌مندی از فرهنگ {XE فرهنگ} " ابراز مذهب و تدین به آن و به کارگیری زبان خود در عرصه‌های خصوصی و عمومی را آزادانه و بدون مداخله یا هر شکلی از تبعیض دارا هستند.

۲. اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق مشارکت {XE مشارکت} "کارآمد در زندگی فرهنگی {XE فرهنگی} "مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی را دارند.

۳. اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق مشارکت {XE مشارکت} "کارآمد در تصمیمات [اتخاذی] در سطح ملی، یا در صورت اقتضاء در سطح منطقه‌ای راجع به اقلیتی که به آن تعلق دارند یا منطقه‌ی محل زندگی آنها، به نحوی که مغایر قوانین داخلی نباشد را دارند.

۵. اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، بدون هیچ تبعیضی، حق برقراری و حفظ روابط آزاد و صلح {XE صلح} "آمیز با اعضای گروه خود و اشخاص متعلق به دیگر اقلیت‌ها و نیز



1. Committee on the Rights of the Child (CRC).
2. UN Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities (18 December, 1992).



تماس بین مرزی با شهروندان دیگر کشورها که با آنها دارای پیوندهای (علقه‌های) ملی، قومی {XE قومی} مذهبی و زبانی هستند را، دارا می‌باشند».

افزون بر این، بند (۲) ماده‌ی (۴) اعلامیه، به لزوم اتخاذ اقدامات ایجابی دولت به منظور توانمندسازی اقلیت‌ها در بیان و اظهار خصایص اقلیتی خویش تأکید دارد.

«۲. دولت‌ها اقداماتی را به منظور ایجاد شرایط مطلوب برای توانمندسازی اشخاص متعلق به اقلیت‌ها جهت اظهار خصایص خویش و گسترش فرهنگ {XE فرهنگ} «زبان، مذهب، سنن و رسوم، به جز در مواردی که آن آداب و رسوم، نقض قانون داخلی و بر خلاف معیارهای بین‌المللی می‌باشند، اتخاذ خواهند نمود».

چنان‌که مشاهده شد، این اعلامیه رویکرد بسیار مترقی نسبت به حقوق فرهنگی {XE} "حقوق فرهنگی" اقلیت‌های چهارگانه و به ویژه اقلیت‌های مذهبی {XE قومی} اتخاذ نموده است.

همان‌گونه که در باب مقوله کلی حقوق بشر، اسناد بین‌المللی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای شکل گرفته است، درباره مقوله‌های خاص حق‌های بشری همچون حقوق مذهبی و نیز گروه‌های خاص از جمله اقلیت‌های مذهبی مورد حمایت هم شاهد شکل‌گیری اسناد، قوام‌یافته و قوام‌نیافته، در دو ساحت جهانی و منطقه‌ای هستیم. یکی از اسناد منطقه‌ای غیر الزام‌آور که به موضوع حقوق اقلیت‌ها {XE حقوق اقلیت‌ها} ملی از جمله حقوق فرهنگی {XE حقوق فرهنگی} این اقلیت‌ها پرداخته، سند نشست کپنهاگ کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (زین پس سند کپنهاگ) است که در سال ۱۹۹۰ توسط کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، به تصویب رسید. سند کپنهاگ در (۱۰) بند به حقوق اقلیت‌های ملی و تعهدات دولت‌ها در قبال این حقوق می‌پردازد. در این سند، احترام به حقوق اقلیت‌های ملی عنصر حیاتی برای ارتقای مردم‌سالاری (دموکراسی) تلقی شده است. در چندین بند این سند، از جمله بندهای (۳۰) و (۳۱) به حقوق فرهنگی {XE} "فرهنگی" اقلیت‌های ملی اشاره شده است؛ اما بند ۳۲ این سند، پس از یادآوری این نکته که تعلق به اقلیتی ملی همانا یک انتخاب فردی است و با تأکید بر حق اشخاص متعلق



به اقلیت‌های ملی بر بیان، گسترش و حراست از هویت قومی {XE} هویت قومی " *
 فرهنگی، زبانی و مذهبی خویش و حفظ و گسترش فرهنگ {XE} فرهنگ " بخود در
 تمامی ابعاد آن از یک سو، و ممنوعیت همانندسازی اجباری از سوی دیگر، به طور مستقیم
 حقوق فرهنگی اقلیت‌های ملی که اقلیت‌های قومی {XE} قومی " نیز از آنها بهره‌مندند را
 بر می‌شمرد؛ که در ذیل خواهد آمد. زیربندهای (۲) و (۳) بند (۳۲)، حقوق اقلیت‌های ملی
 که در زمره‌ی حقوق فرهنگی اقلیت‌ها قرار می‌گیرند را چنین بر می‌شمارد:

«(۳۲) (۲). پدیدآوری و حفظ انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای آموزشی، فرهنگی {XE}
 " فرهنگی " که مذهبی مختص به خود در چهارچوب قانون‌گذاری داخلی؛
 (۳) (۳). تدین و عمل به مذهب خویش از جمله تحصیل، تملک و به‌کارگیری اماکن
 مذهبی و اجرای فعالیت‌های آموزشی مرتبط با مذهب به زبان مادری خود».

در حال حاضر، کنوانسیون چهارچوب حمایت از اقلیت‌ها {XE} حمایت از اقلیت‌ها "
 ملی شورای اروپا {XE} شورای اروپا " (۱۹۹۵) تنها سند الزام‌آور حقوقی در رابطه
 با اقلیت‌ها در جهان می‌باشد که طبعاً دامنه‌ی آن محدود به حوزه‌ی کشورهای عضو آن
 است. این سند برجسته، در مواد (۵) و (۶) به حقوق فرهنگی، از جمله حقوق مذهبی {XE}
 " حقوق فرهنگی " اقلیت‌های ملی، اشاره دارد. ماده (۵) این کنوانسیون مقرر می‌دارد:
 «دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط ضروری برای اشخاص متعلق به
 اقلیت‌های ملی را به منظور حفظ و گسترش فرهنگ {XE} فرهنگ " آنان فراهم آورند
 و از عناصر حیاتی هویت آنها یعنی مذهب، زبان، سنن و میراث فرهنگی {XE} میراث
 فرهنگی " حراست نمایند.

دولت‌های عضو، بدون خدشه به اقدامات اتخاذشده، پیرو سیاست همگرایی کلی خود،
 از اعمال سیاست‌ها و اعمالی که هدف از آن همانندسازی و ادغام اشخاص متعلق به
 اقلیت‌های ملی بر خلاف میل آنان است خودداری نموده و از این اشخاص در مقابل هر
 عملی که هدف چنین همانندسازی‌ای باشد، حمایت به عمل می‌آورند».





ماده ۶، به تعهد دولت‌ها به حمایت از خصایص اقلیتی گروه‌های اقلیت و حمایت از اشخاص متعلق به آنها در برابر احساسات خصمانه جامعه اکثریت اشعار دارد:

«دولت‌های عضو، روحیه‌ی تساهل و گفت‌وگوی بین فرهنگی^۱ (XE فرهنگی) را تشویق و اقدامات کارآمدی را به منظور ارتقای احترام دوسویه و تفاهم و همکاری میان تمامی اشخاصی که در سرزمین آنان زندگی می‌کنند، بدون توجه به هویت قومی (XE "هویت قومی" فرهنگی، زبانی یا مذهبی آنان و به ویژه در عرصه‌های آموزش، فرهنگ (XE فرهنگ) و رسانه، اتخاذ می‌نمایند.

دولت‌های عضو، متعهد می‌شوند که به منظور حمایت از اشخاصی که ممکن است در نتیجه‌ی هویت قومی (XE هویت قومی) (XE فرهنگی) یا زبانی یا مذهبی خود، در معرض تهدید یا اعمال تبعیض آمیز، خصمانه و خشن قرار گیرند، اقدامات مقتضی را اتخاذ نمایند».

کمیته حقوق بشر، در تفسیر عام شماره (۲۲) خود - که در آن به حدود ماده (۱۸) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (آزادی عقیده و مذهب) پرداخت - در حمایت از اقلیت‌ها، حقوق و آزادی‌هایی را در حوزه مذهب برای این گروه‌ها شناسایی نموده است، که عبارتند از: مصونیت در برابر دخالت دولت در سازمان مذهبی و آزادی انتخاب رهبران مذهبی، آزادی تأسیس مکان‌های عبادی، حقوق والدین کودکان وابسته به گروه‌های اقلیت بر آموزش آموزه‌های مذهبی خویش و تأسیس مدارس مذهبی، برگزاری همایش‌ها و آزادی چاپ و توزیع متون مذهبی، حق برخورداری از استراحت و مرخصی در ایام تعطیلات مذهبی، حمایت از گروه‌های اقلیت در برابر احساسات خصمانه پیروان مذهب غالب جامعه، پوشیدن لباس‌های خاص (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۱۰-۳۰۹). شایان ذکر است کمیته حقوق بشر، میان آزادی دارا بودن عقیده و مذهب و آزادی اظهار و ابراز آن قائل به تفکیک شده و آزادی اخیر را مشمول پاره‌ای محدودیت‌های خاص، از جمله اقداماتی که از سوی قانون تجویز شده و برای حراست از امنیت، نظم، بهداشت یا اخلاقیات عمومی یا



1. To manifest.

حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین دیگران ضروری هستند، تشخیص داده است. (CCPR, 27 September 1993: para. 3, 8)

تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر بر سه دسته‌اند: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به اجرا! دولت‌ها در تعهد به احترام موظفند از دخالت در بهره‌مندی افراد از حق‌های بشری خودداری نمایند. در تعهد به حمایت، دولت‌ها باید از نقض حقوق بشر افراد توسط اشخاص ثالث جلوگیری کنند. تعهد به اجرا دولت‌ها را ملزم می‌سازد اقدامات و تمهیدات مقتضی تقنینی، اداری، بودجه‌ای، قضایی و از این دست را برای شناسایی و به رسمیت شناختن کامل حقوق بشر اشخاص اتخاذ نمایند (Stamatopoulou, 2007: 151). حقوق مذهبی اقلیت‌ها، با قرار گرفتن در شمار حقوق فرهنگی، هر سه سطح از تعهد را بر دوش دولت‌ها بار می‌کنند. کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره (۲۳) خود بر این امر تأکید داشته است (CCPR, 27 September 1993: paras. 6.1-9). کمیته، همچنین با وجود ادعان به فردی بودن حقوق مندرج در ماده ۲۷ میثاق، اعمال آنها را به توانایی گروه اقلیت در حفظ فرهنگ، زبان و مذهب خود وابسته می‌داند. از این رو، اقدامات ایجابی دولت‌ها در راستای حمایت از هویت اقلیت‌ها و اشخاص متعلق به آنها به منظور بهره‌مندی و توسعه فرهنگ و زبان و عمل به مذهب خویش در اجتماع با دیگر اعضای گروه را ضروری - شمرده است (CCPR, 27 September 1993: para. 6.2). افزون بر این، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دیگر نهاد فرامعاهداتی بین‌المللی که وظیفه نظارت بر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بر دوش دارد، در تفسیر عام شماره (۲۱) خود، با قاطعیت از «حق اقلیت‌ها و اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بر مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه و نیز حراست، ارتقا و توسعه فرهنگ [خاص] خویش» دفاع می‌کند (CESCRs, 2009: para. 32). کمیته در این راستا اظهار می‌دارد:





«اقلیت‌ها دارای حق بر تنوع فرهنگی، سنت‌ها، عرف‌ها، مذهب، شیوه‌های آموزش، زبان، رسانه‌های ارتباطی (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، اینترنت) و دیگر مظاهر هویت و عضویت فرهنگی خویش، هستند» (CESCRs, 2009: para. 32)


با این واژه‌پردازی، آشکار است که کمیته مزبور، حق گروه‌های اقلیت و اشخاص متعلق به ایشان بر مشارکت در زندگی فرهنگی مختص خویش و نه تنها جامعه ملی را به رسمیت شناخته و با تعیین خود اقلیت‌ها به عنوان یکی از صاحبان حق، در ماده ۱۵ (۱) (الف) میثاق و اشاره به حق این گروه‌ها بر عناصر اصلی تشکیل دهنده هویت مستقل فرهنگی خود (زبان، مذهب، سنت‌ها، عرف‌ها و...)، بر حق جمعی اقلیت‌ها به مشارکت در زندگی فرهنگی خویش اصرار کرده است. به نظر می‌رسد کمیته با اتخاذ این رویکرد، این امر را مورد تأکید قرار می‌دهد که حقوق جمعی نه تنها باعث تضعیف حقوق فردی نمی‌گردد، بلکه به وارون آن، موجبات ارتقا و غنای دوسویه‌ی این حقوق را نیز فراهم می‌آورد (Johns, 1995: p. 173). اتخاذ چنین رویکردی از سوی کمیته، به راستی یک نوآوری در زمینه حمایت از حقوق اقلیت‌ها است؛ چرا که از رهیافت سنتی متون بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با اقلیت‌ها که تنها از حق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها و نه خود این گروه‌ها حمایت به عمل آورده‌اند، فاصله گرفته و فراتر می‌رود. (Wiessner, 2011: 124)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه درباره حمایت‌های صورت گرفته از اقلیت‌های مذهبی و حقوق مذهبی اشخاص متعلق به این گروه‌ها در حقوق اسلام و حقوق بین‌المللی بشر آمد، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی اسلام، بر پایه نهاد ذمه، در مقایسه با حقوق بین‌المللی بشر، دست کم در یک نظام دینی، بهتر می‌تواند حقوق اقلیت‌های مذهبی را تحقق بخشد و تضمین نماید. بدیهی است، قواعد یک نظام حقوقی که غیردینی و حتی گاه ضددینی است، از شایستگی، قابلیت و توانایی حمایت مناسب و متناسب از خصایص و هویت اقلیت‌های



1. The collective right of minorities to take part in their own cultural life.


 مذهبی، که پیوندی ناگسستنی با مذهب و مظاهر آن دارد، برخوردار نیست. از آن جا که نظام بین‌المللی حقوق بشر، امروزه مدعی است از آحاد بشر به نحو یکسان حمایت می‌کند، اصولاً گروه‌های اقلیت را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد؛ حال آن که شرایط خاص گروه‌های اقلیت و آسیب‌پذیری افراد متعلق به آنها در اغلب جوامع بشری واقعیتی انکارناپذیر است. اما، نظام حقوقی اسلام در صورت اجرای کامل و مناسب از سوی کشورهای اسلامی و جوامع دینی، ضمن اصل قرارداد برابری انسان‌ها در برخورداری از مواهب زندگی مادی، به بهترین وجه ممکن قادر است به رفع نیازمندی‌ها و تحقق استحقاقات اشخاص متعلق به اقلیت‌های مذهبی پردازد.

در اسلام، برابری عمومی همه‌ی افراد، قبایل و ملل و حذف تمایزات و اختصاصات نسبی، حسبی، نژادی، وطنی و طبقاتی، به صورت یک توصیه‌ی اخلاقی و در لباس تعبیرات و بیانات ادبی و عاطفی، در خلال پند و اندرزهای معلم‌وار یا سیاست‌مدارانه، به شکلی که در ادبیات انسانی پس از انقلاب کبیر فرانسه می‌خوانیم و یا از زبان روشنفکران و بنیان‌گذاران سازمان‌های بین‌المللی می‌شنویم، که تحقق آن را در آینده برای مصالح بشر مفید و به خاطر استقرار صلح و امنیت لازم می‌شمارند نیست؛ بلکه اسلام بر اساس یک جهان‌بینی فلسفی و علمی می‌خواهد بگوید که انسان‌ها همه با یکدیگر برابر هستند، نه این که باید برابر باشند. اسلام، اندیشه «برابری عمومی» را که به صورت یک مسأله‌ی سیاسی و اجتماعی مطرح است، بر پایه‌های فلسفی و علمی می‌نشانند تا نخست آن را یک اصل مسلم طبیعی معرفی کند و دوم این که «برابری انسان‌ها» را از «برابری حقوقی» تا درجه‌ی «برابری حقیقی» یعنی منشأیی، عینی، علمی، طبیعی و آفرینشی بالا ببرد و به اصطلاح خود اسلام، «برابری» را تا «برادری» ارتقاء دهد. (شریعتی، ۱۳۸۰: ۳۵۴-۳۵۳)

یکی از اهداف بزرگ انبیای الهی و به ویژه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص)، پاسداشت کرامت انسانی تمامی ابنای بشر، اعم از مسلمان و غیرمسلمان و برپایی عدالت بوده است. اقلیت‌ها در اندیشه سیاسی اسلام و آراء فقها و مجتهدان اسلامی، از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مقوله اقلیت‌های مذهبی، یکی از جدی‌ترین مسائل دین اسلام از آغاز پیدایش آن بوده است. در نظام حقوقی اسلام، اقلیت دینی به پیروان ادیان الهی یهودیت،





مسیحیت و زرتشتی و صابئی‌ها اطلاق می‌شود. البته در نظر برخی فقهای اهل سنت، پیروان ادیان دیگر را نیز می‌توان به این گروه‌های چهارگانه ملحق کرد. فلسفه وجودی اصلی تشریح عقد ذمه در دین اسلام، همانا ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌ها و اکثریت مسلمان در جامعه اسلامی است، که با استفاده از نهاد ذمه، علاوه بر تأمین حداقل حقوق بنیادینی که برای زیست انسانی همگان لازم است، شرایط زندگی متدینانه برای پیروان ادیان مختلف فراهم می‌گردد.

موجودیت و هویت اقلیت‌های مذهبی وابستگی کامل به حمایت از مذهب آنها و مظاهر آن دارد. مطابق قواعد حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در مقام عمل به تعهدات بین‌المللی حقوق بشری باید حقوق مذهبی اقلیت‌ها را مورد حمایت و احترام قرار دهند. اما فقه اسلامی پیش از و بدون نیاز به هر گونه پیمان و تعهد بین‌المللی، بر اساس قرارداد ذمه، حکومت و جامعه اسلامی را ملزم به رعایت حقوق اقلیت‌ها و حمایت‌های مؤثر از آنها کرده است. بدیهی است دولت اسلامی و مسلمانان بر پایه باورهای دینی و به عنوان وظیفه شرعی، خود را مکلف به ایفای حقوق ذمی‌ها می‌دانند و این مؤثرترین ضمانت‌اجرا برای رعایت حقوق اقلیت‌هاست. این در حالی است که حقوق بین‌الملل، به ویژه قواعد حقوق بشری آن با چالش جدی ضمانت‌اجرا مواجه است، علاوه بر این که از آسیب‌هایی مانند رویکردهای سیاسی، ابزاری و برخورد‌های دوگانه نیز رنج می‌برد.

حقوق بشر کنونی، که بر بنیان اندیشه‌های فردگرایانه لیبرالیسم و سکولاریسم پایه‌گذاری شده است، در فهم، توجه و تحقق نیازمندی‌های مذهبی افراد به ویژه اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، که به خاطر موقعیت غیرحاکم در شرایط آسیب‌پذیر قرار دارند، ناتوان است. بدیهی است قواعد نظام حقوقی که غیردینی و حتی گاه ضددینی است، شایستگی، قابلیت و توانایی حمایت مناسب و متناسب از خصایص و هویت اقلیت‌های مذهبی، که پیوندی ناگسستنی با مذهب و مظاهر آن دارد، را دارا نیست. نظام حقوقی اسلام، به مثابه نظامی مبتنی بر مذهب و عقاید مذهبی، که ریشه در احکام الهی و دینی دارد، در صورت اجرای کامل و مناسب از سوی کشورهای اسلامی و جوامع دینی، به بهترین وجه ممکن قادر است به رفع نیازمندی‌ها و تحقق استحقاقات اشخاص متعلق به اقلیت‌های مذهبی



بپردازد. ضمن این که می‌توان گفت، نهاد حقوقی ذمه در فقه اسلامی، چنانچه مورد بازخوانی قرار گیرد، ظرفیت آن را دارد که با لحاظ اقتضائات زمان، به مثابه الگوی مؤثری در حمایت از حقوق اقلیت‌ها، به ویژه اقلیت‌های مذهبی، مورد الهام و اقتباس قرار گیرد.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن قدامه، احمد، ۱۳۶۷ق، المغنی، ج ۸، بیروت، التاريخ العربی.
۲. اسمیث، کانتول، ۱۳۸۷ش، سیر مذهب در اروپا، ترجمه سیدمحمد ثقفی، کلام اسلامی، سال هشتم، ش ۳۲.
۳. آقای، بهمن ۱۳۷۶ش، فرهنگ حقوق بشر، چ ۱، تهران، گنج دانش.
۴. امامی، محمد و نورالدینی، حسین، ۱۳۹۳ش، سیری در حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام، تاریخ نو، سال چهارم، ش ۷.
۵. توفیقی، حسین، ۱۳۷۹ش، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۱، قم، سمت.
۶. جهانی، محمد، ۱۳۹۲ش، تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نقش سلفیت)، آفاق امنیت، س ۶، ش ۲۰.
۶. حق پرست، شعبان، ۱۳۸۳ش، راه‌های پایان‌دادن جنگ در حقوق اسلام، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۳۰.
۷. خفاجی، شذی، ۱۳۷۸ش، حقوق اقلیت‌ها در اسلام، ترجمه مهدی حسینیان، حکومت اسلامی، ش ۱۳.
۸. خلیلیان، سیدخلیل، ۱۳۷۷ش، حقوق بین‌الملل اسلامی: تحلیلی نوین در مباحث حقوقی اسلام (کلیات)، ج ۱، چ ۷، تهران، فرهنگ اسلامی.
۹. دانش‌پژوه، مصطفی، ۱۳۸۰ش، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.





۱۰. زیدان، عبدالکریم، ۱۳۸۲ق، احکام الذمیین و المستأمنین فی دارالاسلام، بغداد، جامعه بغداد.
۱۱. سادات رضوی، اقدس، ۱۳۸۸ش، نوجوانی و هویت یابی، مشاور مدرسه، دوره پنجم، ش ۱.
۱۲. شریعتی، علی، ۱۳۸۰ش، پایه‌های حقوق انسانی در انسان اولیه، در: بسته‌نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، چ ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. شیخ الاسلامی، اسعد، ۱۳۵۸ش، حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام، مقالات و بررسی‌ها، ش ۳۲ و ۳۳.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، تصحیح و تحقیق محمدتقی کشفی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی.
۱۵. عزیزی، ستار، ۱۳۸۵ش، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان، نور علم.
۱۶. فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی، ۱۳۹۵ش، حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق بین‌الملل: با نگاهی به وضعیت کردها در ترکیه، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۷. کاسانی، علاء‌الدین، ۱۳۲۷ق، بدایع الدایع فی ترتیب الشرائع، ج ۷، القاهرة، شرکه المطبوعات العلمیه.
۱۸. کلینی رازی، یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۱ق، کافی، ج ۳، بیروت، دارالحدیث.
۱۹. _____، ۱۴۰۱ق، کافی (فروع کافی)، ج ۳، بیروت، دارالحدیث.
۲۰. محمدزاده رهنی، محمدرضا و فریدی، حسن، ۱۳۸۹ش، بررسی فقهی حقوق و تکالیف اقتصادی و تجاری اقلیت‌های دینی، فقه و تاریخ تمدن اسلامی، ش ۲۳.
۲۱. معلوف، لوئیس (بی‌تا)، المنجد فی اللغه، ج ۳، ریاض، النصر الحدیثه لصاحبها عبدالله و محمد الصالح الراشد.
۲۲. مهرپور، حسین، ۱۳۹۰ش، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چ ۴، تهران، اطلاعات.
۲۳. موحد، محمدعلی، ۱۳۸۲ش، در خانه اگر کس است، تهران، کارنامه.



۲۴. موسوی خمینی (ره)، روح‌الله، ۱۳۸۶ش، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۵. موسوی خویی، سید هاشم، ۱۳۸۸ش، قرارداد ذمه، نمود صلح جویی پیامبر اعظم (ص) در اسلام، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۲۶. نظری، محمد تقی، ۱۳۸۴ش، اسلام و حقوق اقلیت‌ها، مجله علوم انسانی، ش ۶۱.

27. CCPR (27 September 1993), General Comment No. 22: The Right to Freedom of Thought, Conscience and Religion (Art. 18), CCPR/C/21/Rev. 1/Add. 4.

28. CCPR (27 September 1993), General Comment No. 22: The Right to Freedom of Thought, Conscience and Religion (Art. 18), CCPR/C/21/Rev. 1/Add. 4.

29. CESCR (2 July 2009), General Comment No. 20: Non-Discrimination in Economic, Social and Cultural Rights (art.2, para. 2), E/C.12/GC/20.

30. CESCRS (21 December 2009), General Comment No. 21: Right of Everyone to Take Part in Cultural Life (Art. 15, para. 1(a) of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights), UN Doc. E/C.12/GC/21.

31. Council of Europe (CoE) (1995). Framework Convention for the Protection of National Minorities (FCNM); for html format see: [http://www. Conventions. coe. int/Treaty/en/Treaties/Html/157. htm](http://www.Conventions.coe.int/Treaty/en/Treaties/Html/157.htm)

32. Council of Europe (November 4 1950), Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, E.T.S. No. 5, 213 U.N.T.S. 222.

33. Ghanea, Nazila, (2012). "Are Religious Minorities Really Minorities?", Oxford Journal of Law and Religion, Vol. 1, No. 1: 57-79.

34. Hidayat, Rehman, Zubair, Muhammad (July 2013). "Development of Minorities' Rights and Critical Analysis of Contemporary Comparative International Human Rights Law for their Protection", International Research Journal of Social Sciences, Vol. 2(7):53-58.

35. Johns, Fleur (1995). "Portrait of the Artist as a White Man: The International Law of Human Rights and Aboriginal Culture", Australian Yearbook of International Law, 16: 173-197.

36. Lerner, Natan, "Proselytism, Change of Religion and International Human Rights Law". For the full text see www.irla.org/documents/articles/lerner-proselytism.html



37. Papoutsis, Emilia (2014). "Minority under international law: How protected they are?", Journal of Social Welfare and Human Rights, vol.2, No.1.
38. Stamatopoulou, Elsa (2007). Cultural Rights in International Law: Article 27 and Beyond, Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishing.
39. Swamy, Anarayana (December 2014). "International Perspective to Protect the Human Rights of Religious Minorities- A Critical Study", Journal of Humanities and Social Science, Vol. 19, Issue 2, Version IV: 14-19.
40. Valentine, John R. (2004). "Toward a Definition of National Minority", Denver Journal of International Law and Policy, 32:445-474.
41. Wiessner, Siegfried (2011). "The Cultural Rights of Indigenous Peoples: Achievements and Continuing Challenges", EJIL, 22, No. 1:121-140.
42. Yildirim, Mine (2015). The Collective Dimension of Freedom of Religion and Belief in International Law: The Application of Findings to the Case of Turkey, Abo: Abo Akademi University Press.
43. Yusuf, Rizwana (2007). "World Conventions and Minority Rights", Paper presented in Symposium on Minorities in the Globalization Era, 1-3 May 2007, Libya: Institute of Hazrat Mohammad (SAW).



